

# برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات بخش صنعت\*

یکتا اشرفی

این مقاله به بررسی نقش و اثر سیاست‌های تجاری به‌ویژه سیاست‌های ارزی بر صادرات بخش صنعت پرداخته است. به دنبال مقدمه‌ای کوتاه، در بخش دوم مروری بر متون مربوط به این موضوع شده و در بخش سوم عوامل و متغیرهای ذی‌ربط با موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش چهارم تابع عرضه صادرات به تفکیک صنایع نُه‌گانه برای سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۵۰ برآورد شده است. بخش پایانی نتایج و توصیه‌های سیاستی درباره بهبود صادرات صنعتی را در بر می‌گیرد.

## ۱. مقدمه

مشکلات ناشی از اقتصاد تک محصولی و تکیه بر درآمدهای نفتی سبب ایجاد اقتصادی متأثر از عوامل خارجی بالاخص بازار ناپایدار نفت شده است. همچنین، اهمیت و نقش صادرات در رشد و توسعه اقتصاد کشور موجب توجه به صادرات غیرنفتی شده و توجه بسیاری از صاحب‌نظران اقتصاد را به تحلیل وضعیت موجود صادرات غیرنفتی و راه‌های بهبود آن معطوف کرده است. با عنایت به ارتباط تنگاتنگ صادرات با سیاست‌های ارزی و نقش حساسی که سیاست‌های مذکور در افت و خیزهای صادرات ایفا می‌کند، و نیز با توجه به اهداف و استراتژی‌های تدوین شده در برنامه‌های پنج ساله اول و دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور، در این تحقیق بر آن شدیم که به برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات بخش صنعت پردازیم.

\* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی است تحت عنوان "اثرات سیاست‌های تجاری (با تأکید بر سیاست‌های ارزی) روی صادرات بخش صنعت" (۱۳۷۸) در پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شده است.

به دلیل اهمیت سیاست‌های ارزی، توجه ما بیشتر به سیاست‌های مذکور بوده و همچنین با توجه به تفاوت‌های موجود تفاوت در گروه‌های مختلف بخش صنعت، در این بررسی تقسیم‌بندی نه‌گانه *ISIC* مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲. بررسی نوشتارهای مربوط به تخمین تابع عرضه صادرات

در متون اقتصادی، مدل صادرات، هم از دیدگاه تئوری تولید و هم از دیدگاه تئوری عرضه و تقاضا مورد توجه قرار گرفته است. دیدگاه تئوری تولید، صادرات غیرنفتی را تابعی از عوامل تولید، تعریف کرده و تأثیر عوامل تولید نظیر کار، سرمایه، پیشرفت فنی و غیره را بر میزان تولید کالاهای صادراتی مورد بررسی و برآورد قرار می‌دهد. با وجود این، به دلیل این‌که نوعاً خط تولید کالاهای صادراتی از خط تولید کل اقتصاد متمایز نیست، لذا میزان کار، سرمایه و پیشرفت فنی در بخش تولید کالاهای صادراتی وجود آماری ندارد. از این رو، امکان برآورد تابع تولید کالاهای صادراتی - مستقل از تابع تولید اقتصاد - در عمل میسر نیست و لذا در اغلب تحقیقات مربوطه، برآورد تابع صادرات غیرنفتی مبتنی بر دیدگاه عرضه و تقاضا است.<sup>۱</sup> براساس دیدگاه عرضه و تقاضا از سه روش می‌توان تابع صادرات غیرنفتی را برآورد کرد.

۱. اگر بخواهیم تأثیر عوامل داخلی اقتصاد را بر صادرات غیرنفتی بررسی کنیم، باید تابع عرضه صادرات غیرنفتی را مورد توجه قرار دهیم. در این حالت همه عوامل داخلی باید با علامت مثبت قیمت همخوانی داشته باشند، زیرا علامت قیمت در تابع عرضه - طبق مبانی نظری - مثبت است.

۲. اگر بخواهیم تأثیر عوامل خارجی اقتصاد را بر صادرات غیرنفتی بررسی کنیم، باید تابع تقاضای صادرات غیرنفتی را مورد توجه قرار دهیم، زیرا میزان صادرات غیرنفتی از نظر محیط داخلی اقتصاد، عرضه محسوب می‌شود و از نظر محیط خارج از اقتصاد به عنوان تقاضا مورد توجه قرار می‌گیرد. در این حالت لازم است همه عوامل خارجی با علامت منفی قیمت همخوانی داشته باشند، زیرا علامت قیمت در تابع تقاضا معمولاً منفی است.

۳. چنانچه بخواهیم میزان تعادلی عرضه و تقاضای صادرات را بررسی کنیم، در این حالت، باید تأثیر مشترک عوامل داخلی و عوامل خارجی را در مدل در نظر بگیریم، زیرا سطح تعادلی عرضه و

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

سید احمدرضا جلالی نائینی، "صادرات و رشد اقتصادی"، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، زمستان ۱۳۷۵؛ توکلی - کرمی، "

تأثیر رشد صادرات کالا بر تولید ناخالص داخلی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بهار ۱۳۷۶.

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۷۳

تقاضای صادرات مکان هندسی نقاط حاصل از تقاطع منحنی عرضه و تقاضای صادرات است. با توجه به این‌که در این پژوهش بررسی اثر سیاست‌های ارزی دولت بر صادرات غیر نفتی مورد توجه بوده است، لذا تابع عرضه صادرات غیر نفتی را مدنظر قرار داده‌ایم.<sup>۱</sup>

جدول ۱: تطبیق کدهای صنعتی و تجاری

کد صنعت ISIC	عنوان براساس طبقه‌بندی بین‌المللی	کد تعرفه گمرکی، بازرگانی CCCN	کد سیستم هماهنگ HS
۳۱	صنایع غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۲۴ تا ۲۵	۲۴ تا ۲۵
۳۲	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۶۷ تا ۷۰	۶۷ تا ۷۰
۳۳	صنایع چوب و محصولات چوبی	۴۶ تا ۴۷	۴۶ تا ۴۷
۳۴	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار	۴۹ تا ۵۰	۴۹ تا ۵۰
۳۵	صنایع شیمیایی و زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک به استثنای نفت و بنزین	۲۷ تا ۳۰	۲۷ تا ۳۰
۳۶	صنایع محصولات کانی غیر فلزی به جز نفت و زغال سنگ	۲۵ تا ۲۸ و ۲۹	۲۵ تا ۲۸ و ۲۹
۳۷	صنایع تولیدات فلزات اساسی	۷۱ تا ۷۳	۷۱ تا ۷۳
۳۸	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۷۴ تا ۸۲ و ۹۱ تا ۹۳	۷۴ تا ۸۲ و ۹۱ تا ۹۳
۳۹	صنایع متفرقه	۷۱، ۷۲، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸	۷۱، ۷۲، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸

۱. دو فصل ۷۱ و ۷۲ در تعرفه CCCN، در تعرفه HS باهم ادغام شده و تحت تعرفه ۷۱ آمده است.

۲. تعرفه فصل ۹۵ سیستم CCCN بین فصل‌های ۹۴، ۷۱، ۴۲ و ۹۶ سیستم HS تقسیم شده است.

۳. فصل ۹۷ سیستم CCCN در فصل ۹۵ HS آمده است.

۴. فصل ۹۸ سیستم CCCN به فصل ۹۶ در سیستم HS تبدیل شده است.

مآخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران.

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به فصل چهارم طرح تحقیقاتی «آثار سیاست‌های تجاری (با تأکید بر سیاست‌های ارزی) روی

صادرات بخش صنعت» که به‌طور تفصیلی به متون برآورد توابع صادرات پرداخته است.

در عین حال، در منابع داخلی تاکنون تابع تعادلی صادرات غیرنفتی برآورد نشده است و در منابع خارجی نیز از این حیث مدلی یافته نشده اما موارد ۱ و ۲ از سوی محققان خارجی و داخلی مورد استفاده قرار گرفته است.

### ۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به مبانی تئوریک و مباحث مطرح شده در این قسمت، سعی شده است ضمن بررسی نحوه اثرگذاری نظام انگیزشی بر صادرات ۹ گروه صنعت (کدبندی *ISIC*) مجموعه‌ای از عوامل انگیزشی صادرات (در سیستم چند نرخ ارز) را معرفی کنیم و ضمن ارزیابی عوامل مذکور به برآورد حساسیت ۹ گروه صنعت نسبت به سیاست‌های ارزی پردازیم. قبل از ورود به مباحث اصلی، با توجه به این‌که در این تحقیق تأکید بر مطالعه زیر بخش‌های صنعت مطابق با کدهای نه‌گانه بین‌المللی (*ISIC*) است، لذا ضرورت دارد ابتدا تطابق بین دو کد صنعتی و تجاری انجام گیرد. در جدول ۱ کدهای صنعتی با کدهای تجاری (هر دو کد *CCCN* و *HS*) تطبیق داده شده است.

**شناسایی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مرتبط با بخش صادرات در ایران**  
موانع تعرفه‌ای عمدتاً در مورد واردات مطرح‌اند، زیرا صادرات معمولاً از هرگونه حقوق و عوارض معاف است.

موانع غیرتعرفه‌ای شامل الزامات قانونی مربوط به چگونگی ثبت سفارش، رعایت ضوابط و معیارهای بهداشتی، کشاورزی، انرژی اتمی، استانداردها، ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سرانجام بین‌المللی است. این‌ها نه تنها موانع محسوب نمی‌شوند بلکه تمام کشورها رعایت تمام یا بخش عمده‌ای از آن‌ها را در مقررات خود لحاظ و به آن عمل می‌کنند. در بخش صادرات موارد مذکور برای دو بخش صادرات مرئی و غیرمرئی به قرار زیر است:

الف) در ارتباط با صادرات کالاها (صادرات مرئی) موانعی که عمدتاً هم غیرتعرفه‌ای هستند، شامل موارد زیر است:

۱. محدودیت ناشی از عدم تولید در سطح رفع نیاز داخلی
۲. ممنوعیت‌های شرعی
۳. ممنوعیت‌های قانونی (به‌عنوان مثال، ممنوعیت راجع به اشیای عتیقه و میراث فرهنگی)
۴. اخذ مجوز صدور کالاهایی که صدور آن‌ها مشروط است
۵. قیمت‌گذاری کالای صادراتی توسط کمیسیون نرخ‌گذاری

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۷۵

۶. کارت بازرگانی

۷. کارت اقتصادی

۸. برقراری پیمان ارزی (پیمان ارزی در عمل نوعی مالیات بر صادرات است که تحت عنوان موارد غیر تعرفه‌ای تقسیم‌بندی می‌شود)

۹. عدم پذیرش تخفیفات معمول تجاری به صورت معافیت از پیمان ارزی

۱۰. بوروکراسی و مشکلات ناشی از قبولاندن حساب صادرات بابت واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه، زمانی که مجوز واردات قبل از صادرات داده نمی‌شود.

۱۱. بوروکراسی و مشکلات ناشی از قبولاندن خسارات و ضایعات وارده به کالای صادراتی که ایفای تعهدات ارزی یا پیمان ارزی را غیرممکن می‌سازد

۱۲. استانداردهای اجباری و ملی برحسب مورد استانداردها باید تابع کشور مقصد باشد، به طور مثال برای صادرات میوه و تره بار و یا پوشاک به کشورهای آسیای مرکزی، افریقایی و اروپایی نباید یک رویه به کار بسته شود

۱۳. مشکلات ناشی از ایجاد تحصیل اعتبارات بانکی لازم برای تودیع پیمان ارزی

۱۴. عدم وجود اماکن مناسب برای حفظ و نگهداری کالا از مرحله معرفی به گمرک تا خروج از قلمرو گمرکی

۱۵. مشکلات و موانع قانونی یا وجود بوروکراسی در جهت تهیه و تدارک وسایل و لوازم بسته‌بندی کالا و صدور احکام موافقت با ورود موقت این وسایل و لوازم بسته‌بندی

۱۶. الزام صادرکننده به معرفی ارز به سیستم بانکی

۱۷. در جایی که به عوض معرفی ارز به سیستم بانکی به واردات در مقابل صادرات اجازه داده می‌شود: محدودکردن اقلام قابل ورود در مقابل صادرات و مقیدکردن ورود کالا از مبدأ خاص و با شرایط خاص

۱۸. فقدان مکانیزم روان، آسان و قابل حصول که اجازه استفاده از روش "بیع متقابل" را به صورت واردات ماشین‌آلات به طور قطعی (واردات قطعی) و بدون انتقال ارز به شرط صدور محصول یا پرداخت مبلغ معین در مقابل هر واحد محصول از زمان معین و برای مدت معین بدهد

۱۹. عدم تجهیز تمام مبادی خروج به وسایل و نیروی انسانی متخصص، برای انجام تشریفات ترخیص قطعی کالا، در تطبیق با مقررات قانونی و آیین‌نامه‌ای

ب) برخی از موانع نیز در ارتباط با صادرات غیرمرئی مطرح است. علاوه بر ارائه خدمات مهندسی، تخصص‌های علمی، فنی و نیروی کار، استفاده از بعضی رویه‌های گمرکی (*customs procedures*) ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نتایج حاصل از فعالیت‌هایی انطباق داشته باشد، به‌عنوان صادرات غیرمرئی خوانده می‌شوند. صادرات غیرمرئی عبارت‌اند از:

۱. واردات به‌صورت موقت برای تعمیر
۲. واردات به‌صورت موقت برای بسته‌بندی
۳. واردات به‌صورت موقت برای پردازش یا تکمیل
۴. واردات به‌صورت موقت برای مونتاژ
۵. عملیات مربوط به قبول خدمات ترانزیت خارجی از خاک جمهوری اسلامی ایران
۶. عملیات مربوط به انتقال کالا در مبادی دریایی یا هوایی
۷. ورود کالا به قلمرو گمرکی بدون این‌که از اماکن گمرکی خارج شود و صدور مجدد آن به هر مقصد دیگری که مورد نیاز باشد
۸. صدور موقت لوازم حرفه‌ای برای انجام کار معینی در خارج و ورود مجدد آن به قلمرو گمرکی

۹. صدور موقت لوازم کار، ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و ادوات علمی، فنی و آموزشی برای انجام یک پروژه یا برنامه‌های عمرانی در خارج از قلمرو گمرکی

۱۰. اجاره ماشین‌آلات و دستگاه‌ها در خارج از قلمرو گمرکی به‌صورت صدور موقت این موارد و شاید موارد مشابه دیگر، چه در ورود و چه در صدور، موجب تحصیل ارز یا کالا به جای خدمات و استفاده موقت از وسایل یا عملیات ترانزیت می‌شود و از این رو، صادرات غیرمرئی نامیده می‌شوند. در عمل به‌موانعی هم برخورد می‌کنیم که موجب حذف یا تقلیل سطح این نوع صادرات می‌شود. اهم این موانع به‌شرح زیر است:

۱. وجود ضوابط و مقررات در مورد تودیع سپرده‌های نقدی یا ضمانتنامه بانکی یا سفته‌های معتبر عملاً مانع انجام واردات موقت برای بسته‌بندی، فراوری، تکمیل و مونتاژ می‌شود، هرچند حذف این وسایل نیز ممکن است موجب افزایش سوء جریان‌ها شود. وجود همین موانع در ترانزیت خارجی خودنمایی می‌کند.

۲. ایجاد موانعی مثل استاندارد، بهداشت، ملاحظات سیاسی، ایمنی، مذهبی و اجتماعی و فرهنگی، ممکن است عملاً مانع از واردات موقت به‌منظور تکمیل، فرآوری و مونتاژ شود. درحالی‌که علی‌الظاهر، طرف قرارداد کالا، یا محصول نهایی را با همان مواد و قطعات وارداتی انتظار دارد و

استانداردهای ملی را نمی‌پذیرد. ممکن است در خصوص بهداشت، مسائل اجتماعی، فرهنگی و حتی مذهبی نیز چنین باشد و بالاخره پیمان یا تعهد ارزی بابت ارز حاصل از صادرات خدمات که از این طریق تحصیل می‌شود.

۳. وجود موانعی مثل استانداردهای ملی، بهداشت، قرنطینه، ممنوعیت‌ها در رابطه با ترانزیت خارجی که بر مصالح ملی و عمومی، ملاحظات سیاسی، ممنوعیت‌های شرعی، ممنوعیت در رابطه با مبدأ ساخت، ممنوعیت در رابطه با مبدأ حمل و تعهد ارزی در رابطه با ارز حاصل از خدمات عملیات ترانزیت خارجی به وسیله مؤسسات داخلی تأکید دارد.

۴. وجود موانع در رابطه با ورود موقت کالا برای اجاره لوازم حرفه‌ای، ابزار و ماشین‌آلات و دستگاه‌های فنی، علمی و مطالعاتی مربوط به پیمانکارانی که برای انجام کار به خارج ارسال می‌کنند. این موانع شامل اخذ مجوزهای صدور، قیمت‌گذاری، تودیع پیمان یا تعهد ارزی به‌طور موقت و محدودیت زمانی خروج موقت کالا می‌شود.<sup>۱</sup>

## میزان اثر بخشی موانع غیر تعرفه‌ای واردات

برخی از موانع غیر تعرفه‌ای واردات، جنبه بین‌المللی دارد و نمی‌تواند مورد ایراد واقع شود. مانند رعایت استاندارد رسمی و بین‌المللی، تا جایی که ایمنی و سلامت نیروی کار و مصرف‌کننده مطرح است، یا بهداشت و قرنطینه حیوانی و دامی، ملاحظات دینی و مذهبی، ملی و امنیتی و انرژی اتمی در رابطه با مواد آلوده‌کننده یا مواد پرتوافکن. ولی سایر موانع مثل ممنوعیت یا محدودیت‌ها و مجوزهای ورود، الزامات ثبت سفارش، کارت بازرگانی، عضویت در اتاق بازرگانی، حمل با وسایط نقلیه ایرانی، خرید به‌صورت پیش‌بینی شده و محدودیت یا ممنوعیت به اعتبار مبدأ حمل یا ساخت یا هر دو، منحصراً منوط به استفاده از ارز دولتی است. این قبیل موانع، عملاً بر روند واردات اثر می‌گذارد و آن را کند می‌کند و ممکن است میزان آن را نیز تقلیل دهد. البته با توجه به این‌که همواره راه‌های مختلفی برای جبران این محدودیت‌ها در قالب‌هایی دیگر نظیر واردات از مناطق آزاد و غیره ایجاد می‌شود، می‌توان ادعا کرد که این موانع نیز قادر نبوده‌اند در روند صادرات و واردات تأثیر چندانی بگذارند و یا تهدیدی برای آن‌ها محسوب شوند.

۱. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به طرح "بررسی موانع و مشکلات پیرامون الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO)"،

## صادرات

موانع غیر تعرفه‌ای بر صادرات آشکارا اثر می‌گذارد، به خصوص زمانی که صادرات مقید به پیمان ارزی باشد. با نگاهی به جدول شماره ۲ که میزان و ارزش صادرات را در سال‌های ۷۹-۱۳۳۸ نشان می‌دهد، ممکن است چنین تلقی شود که صادرات مسیر صعودی داشته است، اما نکاتی در خصوص روند صادرات قابل ذکر است:

- پیمان ارزی تقریباً در طول تمام سال‌ها برقرار بوده است، لیکن تفاوتی بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب وجود دارد و این تفاوت مربوط به فقدان اختلاف نرخ ارز با نرخ ارز رسمی بانک مرکزی در سال‌های قبل از انقلاب است. به‌رغم وجود پیمان ارزی، این مانع هرگز در سال‌های پیش از انقلاب نتوانسته است کوچک‌ترین تأثیری در روند صادرات به‌جای‌گذارد، هر چند روند صادرات در این سال‌ها، نظیر سال‌های بعد از انقلاب، روند مطلوب و حتی معمول هم نداشته است و تناسبی بین افزایش ارقام با افزایش حجم واردات به چشم نمی‌خورد و در واقع سیر منفی را نمایش می‌دهد.

- تأثیر پیمان ارزی به‌طور جدی از اوایل ۱۳۶۶ تا اواخر ۱۳۷۳ مشهود است. آمار این سال‌ها نشان می‌دهد با وجود برقراری پیمان، از ۱۳۶۶ به بعد به تدریج، واردات در مقابل صادرات، آزاد و با تسهیلات بیشتری از قبل اجرا می‌شود. خرید نرخ ارز به قیمت قابل مقایسه و با صرفه‌تر از نرخ بازار آزاد معمول می‌شود. از ۱۳۶۸ به بعد نیز پیمان ارزی تقریباً جنبه‌ی صوری به خود می‌گیرد و حتی به تدریج بانک‌ها مجاز می‌شوند بدون وجود اعتبار نیز تعهدات ارزی صادرکنندگان را بپذیرند. تا آن‌جا که عملاً در ۱۳۷۲ (اواخر آبان ۱۳۷۲) پیمان ارزی حذف می‌شود و یک سیر صعودی قابل توجه به چشم می‌خورد (لازم به توضیح است که آمار ۱۳۷۴ عکس این روند صعودی را نشان می‌دهد).

- طی سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۸ علی‌الظاهر یک سیر صعودی در آمار صادرات به‌چشم می‌خورد که علی‌رغم وجود پیمان ارزی در همه آن سال‌ها، به همان دلایل مذکور در تعهد یا پیمان ارزی، تقریباً بدون تفاوت نرخ ارز صورت می‌گرفت. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این موانع دلایل اساسی عدم گسترش صادرات نبوده بلکه مشکل عدم گسترش صادرات ریشه در امور دیگری، از جمله کسب سود بیشتر و سهل‌الوصول‌تر، برگشت به موقع و نقدتر سرمایه، فروش حاصل از تولید داخلی و به‌عبارتی ناشی از وجود تقاضای داخلی و همچنین سودآوری فعالیت‌های غیرتولیدی داشته است. عدم برخورداری از کیفیت مناسب و قیمت تمام شده رقابتی کالای صادراتی و عدم تناسب با قیمت مشابه در بازارهای خارجی، عدم رعایت استانداردهای رسمی و بسیاری دلایل دیگر نیز موجب



برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۷۹

جدول ۲: میزان و ارزش صادرات بر حسب وزن و ارزش در سال‌های ۷۹-۱۳۳۸

سال	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	ارزش (میلیون دلار)
۱۳۳۸	۳۹۷	۷۷۰۱	۱۱۰
۱۳۳۹	۴۴۶	۸۳۵۹	۱۱۹
۱۳۴۰	۵۵۱	۹۵۹۳	۱۳۷
۱۳۴۱	۵۸۹	۸۶۰۲	۱۲۳
۱۳۴۲	-	۹۶۱۶	۱۳۷
۱۳۴۳	-	۱۱۴۸۵	۱۶۴
۱۳۴۴	-	۱۳۵۵۹	۱۹۴
۱۳۴۵	۸۱۳	۱۱۸۱۵	۱۶۹
۱۳۴۶	۷۶۸	۱۳۶۳۳	۱۹۵
۱۳۴۷	۹۹۲	۱۶۲۶۸	۲۳۲
۱۳۴۸	۸۹۰	۱۸۵۳۳	۲۶۵
۱۳۴۹	-	۲۱۱۹۲	۳۰۳
۱۳۵۰	۲۱۴۹	۲۶۲۷۰	۳۷۵
۱۳۵۱	۲۳۴۹	۳۳۸۶۲	۴۸۴
۱۳۵۲	۱۸۸۵	۴۲۸۴۱	۶۱۲
۱۳۵۳	۱۵۳۱	۳۹۲۴۸	۵۶۱
۱۳۵۴	۱۱۸۹	۴۰۷۲۳	۵۸۲
۱۳۵۵	۷۹۳	۳۸۰۰۱	۵۴۳
۱۳۵۶	۱۱۳۸	۴۴۰۵۲	۶۲۹
۱۳۵۷	۱۳۳۶	۳۸۱۸۶	۵۴۶
۱۳۵۸	۵۷۹	۵۷۱۰۹	۸۱۶
۱۳۵۹	۱۲۹	۴۵۹۵۰	۶۵۶
۱۳۶۰	۱۵۴	۲۷۰۲۹	۳۸۶
۱۳۶۱	۱۶۲	۲۳۸۸۲	۳۴۱
۱۳۶۲	۲۳۱	۳۱۰۱۸	۴۴۱
۱۳۶۳	۲۶۹	۳۳۰۴۱	۴۷۲
۱۳۶۴	۴۵۸	۴۰۸۳۴	۵۸۳
۱۳۶۵	۶۵۴	۷۰۱۱۷	۱۰۰۲
۱۳۶۶	۱۱۳۲	۸۱۱۰۷	۱۱۵۹
۱۳۶۷	۱۲۲۴	۷۱۴۷۴	۱۰۲۱
۱۳۶۸	۱۴۵۵	۷۴۷۳۶	۱۰۶۸
۱۳۶۹	۱۲۴۱	۸۷۲۴۵	۱۲۴۶
۱۳۷۰	۲۸۶۴	۱۷۷۹۷۸	۲۵۴۳
۱۳۷۱	۳۴۳۸	۱۹۵۰۲۷	۲۷۸۶

ادامه جدول ۲

سال	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	ارزش (میلیون دلار)
۱۳۷۲	۵۱۲۷	۲۶۲۲۷۶	۳۷۴۸
۱۳۷۳	۷۴۵۴	۸۳۱۲۷۵۱	۴۸۲۴
۱۳۷۴	۶۹۹۰	۵۶۸۸۶۷۶	۳۲۵۱
۱۳۷۵	۷۰۴۱	۵۴۳۴۹۸۹	۳۱۰۶
۱۳۷۶	۸۶۹۰	۵۰۴۶۶۶۵	۲۸۷۶
۱۳۷۷	۱۴۶۶۹	۵۲۸۸۳۶۳	۳۰۱۳
۱۳۷۸	۱۷۵۶۷	۵۹۰۰۲۲۵	۳۳۶۲
۱۳۷۹	۱۴۲۸۱	۶۶۰۳۷۸۳	۳۷۶۳

مأخذ: سالنامه آماری بازرگانی خارجی گمرک ایران، سال‌های مختلف.

عدم رشد متناسب در صادرات غیر نفتی کشور بوده است.

- آمار و ارقام سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ نیز علی‌رغم آن‌که روندی روبه رشد را نشان می‌دهد باید در نظر گرفته شود که تا حدود زیادی افزایش در ارزش صادرات ناشی از افزایش در وزن صادرات و همچنین سیاست کاهش ارزش پول ملی (یا به بیانی دیگر ارزان فروختن صادرات) بوده است.
- البته اگر در مجموع و در مقایسه با سایر کشورها و استانداردهای جهانی برای قضاوت در کیفیت یا کمیّت صادرات از لحاظ نوع یا مقدار، آمار موصوف را بررسی کنیم، نباید این سیر به ظاهر صعودی را، در مقایسه با رشد واردات طی این سال‌ها، به حساب توسعه صادرات گذاشت. زیرا توسعه صادرات فعالیتی هدفمند و پایدار است.<sup>۱</sup>

## ترانزیت خارجی

ترانزیت خارجی با موقعیت جغرافیایی ایران و نیاز کشورهای همسایه در شمال ایران، می‌تواند با همین کیفیت موجود با صادرات ما رقابت کند و به‌عنوان صادرات نامرئی مطرح باشد. در خصوص

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به همان.

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ۸۱۰۰

محدودیت‌های ترانزیتی، موانعی مثل تعهدات یا تضمین‌هایی که باید سپرده شود، استاندارد، بهداشت و قرنطینه وجود دارد که تا حدی قابل قبول است. اما موانع ساختاری نظیر، عدم وجود راه‌های ارتباطی (جاده و راه آهن)، تجهیز نبودن مبادی ورودی و خروجی مجهز به وسایل تخلیه و بارگیری، اسکله‌ها و ناوگان حمل‌ونقل قوی دریایی و زمینی ناکارا همراه با نبود جو اعتماد به تجار و مؤسسات حمل‌ونقل، از آفات توسعه این صنعت است، که باید مورد توجه قرار گیرند.

## مشوق‌های صادراتی

لازم است در مقابل موانع، اعم از تعرفه‌ای یا غیرتعرفه‌ای که شامل محدودیت‌ها، و در بعضی موارد نادر حقوق یا عوارض وضع شده بر صادرات و پیمان ارزی می‌شود، به وجود بعضی حمایت‌ها یا مشوق‌ها و سوبسیدهای صادراتی نیز اشاره شود:

۱. وصول ۱ درصد عوارض ویژه به منظور راه اندازی صندوق ضمانت صادرات که از ۱۳۷۳

برای فعال کردن این صندوق از مجموع حقوق گمرکی و سودبازرگانی وصول می‌شود.

۲. معافیت گمرکی (حقوق گمرکی، سودبازرگانی، عوارض) مربوط به ورود ماشین‌آلات برای خط تولید یا اصلاح و فراوری محصولات کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی، تولیدات صنعتی و کارخانه‌ای و معدنی و بسته‌بندی، تأسیسات و ماشین‌آلات صنعتی برای تولید و... که در کار تولید و صدور محصولات (منحصراً) وارد می‌شود؛<sup>۱</sup> با تصویب کمیسیونی که برای همین منظور پیش بینی شده است.

۳. معافیت لوازم بسته‌بندی کالای صادراتی به صورت موقت با تشخیص همان کمیسیون موضوع

بند ۲ بالا.

۴. معافیت مواد، قطعات و لوازم برای ساخت و مونتاژ در داخل به منظور صدور مجدد تحت

عنوان واردات موقت.<sup>۲</sup>

۵. قانون استرداد حقوق گمرکی و عوارض مواد اولیه مصنوعات ماشینی کارخانجات داخلی

مصوب ۱۳۴۵. به موجب این قانون، در موقع صدور کالا، در اجرا، روشی موسوم به "استرداد"<sup>۳</sup> به

۱. بندج ماده ۳ قانون تشویق صادرات و تولید مصوب ۱۳۳۵/۸/۱۷.

۲. ماده ۱۲ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۷/۴. بخش یکم از فصل پنجم قسمت چهارم آیین‌نامه اجرایی

قانون امور گمرکی مصوب فروردین ۱۳۵۱.

کار گرفته می‌شود. مطابق این قانون اگر حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض که در کالای صادراتی متصور است، قبلاً به گمرک پرداخت شده باشد، بر اساس مقررات حاکم در زمان صدور به صادرکننده مسترد می‌گردد (بازپرداخت گمرکی).

۶. استرداد حقوق گمرکی، سود بازرگانی، عوارض، مابه‌التفاوت دریافتی از واردات قطعی به صادرکننده در موقع صدور کالا به استناد ماده ۱۴ قانون مقررات صادرات و واردات ۱۳۷۲/۷/۴ و ماده آیین نامه اجرائی قانون مذکور مصوب فروردین ۱۳۷۳ براساس مقررات زمان صدور کالا از کشور.

۷. استرداد حق ثبت سفارش تمام یا قسمتی از مواد اولیه یا قطعات به کار برده شده در کالای صادراتی به هنگام صدور بر اساس تبصره ۱۵ قانون متمم بودجه سال ۱۳۵۰.

۸. بازپرداخت‌های مالیاتی.

۹. اجازه ورود کالا طبق فهرست معین در مقابل صادرات.

۱۰. اعطای تخفیف‌هایی در پیمان ارزی برای جبران بعضی هزینه‌های قابل قبول صادرکننده در خارج.

۱۱. اجازه معرفی ارز در موارد مشمول پیمان ارزی در فاصله زمانی قابل قبول.

۱۲. اجازه فروش کالا برای صادرات به هر صورت اعم از *FOB, FAC* یا *CIF* و غیره.

۱۳. عدم الزام صادرات از طریق اعتبارات اسنادی.

۱۴. عدم الزام صادرات به بیمه اجباری حمل.

۱۵. با توجه به سیستم قیمت‌گذاری کالای صادراتی، اجازه صادرکننده به استفاده از ارزی که بیش از میزان قیمت‌گذاری است.

۱۶. اعطای اعتبار بانکی به صادرکنندگان به وسیله بانک توسعه صادرات یا سایر بانک‌ها.

۱۷. اجازه ورود مجدد کالای صادراتی با معافیت در صورتی که به هر دلیل به کشور بازگردانده شود.

۱۸. در موارد استثنائی، اعطای سوبسید نقدی به عنوان جایزه صادراتی.

۱۹. حذف تشریفات گمرکی دست و پاگیر برای صادرات.

۲۰. اجازه انجام عملیات گمرکی در اماکن شخصی صادرکننده به جای این‌که کالا را به گمرک عرضه کند.

۲۱. تخفیف معادل ۷۵ درصد در هزینه‌های گمرکی کالای صادراتی (به‌عنوان مثال، انبارداری،

بارگیری، تخلیه، خدمات فوق‌العاده و غیره).

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۸۳

۲۲. معافیت کامل صادرات از حقوق گمرکی، سود بازرگانی، عوارض و هر نوع حقوق مشابه دیگر.

۲۳. معافیت مالیاتی صادرکنندگان از مالیات بخشی از فعالیت‌هایی که مربوط به صادرات باشد.

## طبقه‌بندی موانع غیر تعرفه‌ای

برای آن‌که بتوان موارد غیر تعرفه‌ای بخش صادرات را به صورت متغیرهای کیفی مورد بررسی قرارداد، از تقسیم‌بندی زیر استفاده می‌شود:

۱. کالاهایی که صادرات آن‌ها مجاز است (P).

۲. کالاهایی که عمدتاً صادرات‌شان مشروط است (T).

۳. واردات در مقابل صادرات مجاز است (بدون محدودیت) (C). اجرای این سیاست یعنی مجاز بودن صادرات بدون هیچ‌گونه محدودیت باعث کاهش قدرت رقابت در برخی از صنایع داخلی شده و نهایتاً تأثیر منفی بر صادرات می‌گذارد.

۴. نیاز به دریافت مجوزهای خاص دارد (استاندارد، بهداشت و...) (E).

۵. واردات در مقابل صادرات بسیار محدود یا ممنوع است (I).

۶. تخفیف در پیمان ارزی (۱۰ تا ۳۰ درصد یا بیشتر معمول بوده است) (D).

۷. پیمان ارزی (F).

۸. قیمت‌گذاری الزامی است (قبل از صدور کالا توسط کمیسیون نرخ‌گذاری تعیین قیمت می‌شود) (V).

۹. پیمان ارزی تقریباً صوری است (در مواردی که علی‌رغم اخذ تعهد یا پیمان، به لحاظ عدم ضرورت، احراز اعتبار صادراتی به صورت جدی برقرار نبوده ولی در هر حال صدور مجدد یا ادامه صادرات، صادرکننده را موقوف به ایفای تعهدات ارزی وی می‌کند) (J).

۱۰. پیمان ارزی صوری است (پیمان اخذ شده ولی بدون این‌که پشتوانه‌ای برای اطمینان از ایفای

تعهد اخذ شود) (L).

۱۱. مشروط (Q).

۱۲. غیرمجاز (O).

تعریف این متغیرها به صورت کیفی (به صورت دودویی صفر و یک) است، به طوری که هر گاه یک مانع در سالی وجود داشته باشد مقدار متغیر یک و در غیر این صورت مقدار متغیر برای سال مذکور صفر فرض می‌شود. تأثیر هر یک از این متغیرها بر صادرات به شرح جدول شماره ۳ است.

جدول ۳- الف: اثر متغیرهای کیفی بر صادرات

جهت اثر بر صادرات	متغیر کیفی صادرات
افزاینده (+)	۱
کاهنده (-)	۲
کاهنده (-)	۳
کاهنده (-)	۴
افزاینده (+)	۵
افزاینده (+)	۶
کاهنده (-)	۷
کاهنده (-)	۸
افزاینده (+)	۹
افزاینده (+)	۱۰
کاهنده (-)	۱۱
کاهنده (-)	۱۲

جدول ۳- ب: علامت ضرایب همبستگی نظری سیاست‌های غیر تعرفه‌ای در بخش صنعت

سیاست‌های غیر تعرفه‌ای	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	نرخ تعرفه	صادرات تعرفه
۱	۱	-	-	-	+	+	-	-	+	+	-	-	-	+
۲	-	۱	+	+	-	-	+	+	-	-	+	+	+	-
۳	-	+	۱	+	-	-	+	+	-	-	+	+	+	-
۴	-	+	+	۱	-	-	+	+	-	-	+	+	+	+
۵	+	-	-	-	۱	+	-	-	+	+	-	-	-	+
۶	+	-	-	-	+	۱	-	-	+	+	-	-	-	+
۷	-	+	+	+	-	-	۱	+	-	-	+	+	+	-
۸	-	+	+	+	-	-	+	۱	-	-	+	+	+	-
۹	+	-	-	-	+	+	-	-	۱	+	-	-	-	+
۱۰	+	-	-	-	+	+	-	-	+	۱	-	-	-	+
۱۱	-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	۱	-	+	-
۱۲	-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	+	۱	+	-
نرخ تعرفه	-	+	+	+	-	-	+	+	-	-	+	+	۱	-
صادرات	+	-	-	-	+	+	-	-	+	+	-	-	-	۱

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۸۵

جدول ۴: در کل صادرات بخش صنعت

	$EXN_1$	$EXN_2$	$EXN_3$	$EXN_4$	$EXN_5$	$EXN_6$	$EXN_7$	$EXN_8$	$EXN_9$	$EXN_{11}$	$EXN_{12}$
$EXN_1$	۱/۰۰	-۱/۰۰	-۰/۱۱	۰/۱۱	-۰/۳۱	-۰/۱۲	-۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۲۸		۰/۱۴
$EXN_2$	-۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۱	-۰/۱۱	۰/۳۱	۰/۱۲	۰/۱۴	-۰/۱۵	-۰/۲۸		-۰/۱۴
$EXN_3$	-۰/۱۱	۰/۱۱	۱/۰۰	-۱/۰۰	۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۴	-۰/۲۸		۰/۰۴
$EXN_4$	۰/۱۱	-۰/۱۱	-۱/۰۰	۱/۰۰	-۰/۰۸	۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۳۸		-۰/۰۴
$EXN_5$	-۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۰۸	-۰/۰۸	۱/۰۰	۰/۱۹	-۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۲۳		-۰/۱۰
$EXN_6$	-۰/۱۲	۰/۱۲	-۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۹	۱/۰۰	-۰/۴۹	-۰/۵۸	-۰/۳۵		۰/۰۹
$EXN_7$	-۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۴۹	۱/۰۰	-۰/۰۵	۰/۱۲		-۰/۰۵
$EXN_8$	۰/۱۵	-۰/۱۵	۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۱۱	-۰/۵۸	-۰/۰۵	۱/۰۰	-۰/۱۰		-۰/۰۵
$EXN_9$	۰/۲۸	-۰/۲۸	-۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۲۳	-۰/۳۵	۰/۱۲	-۰/۱۰	۱/۰۰		-۰/۱۰
$EXN_{11}$	۰/۱۴	-۰/۱۴	۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۱۰	۰/۰۹	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۱۰		۱۰۰

وضع یا رفع موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای می‌تواند میزان صادرات را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر آن، خود این موانع نیز از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. برای بررسی این‌که وضع یا رفع این موانع در یک بخش موجب تأثیرات هماهنگ می‌شود یا خیر، به برآورد ضریب همبستگی می‌پردازیم. اگر ضریب همبستگی به دست آمده جدول ۴ و مقدار ضریب همسو با ضرایب مندرج در جدول ۳ باشد، نتیجه می‌گیریم که عملکرد سیاست‌گذاری‌ها در زمینه تشویق صادرات منسجم بوده است. جدول ۳ - ب از لحاظ نظری تأثیرات متقابل وضع یا رفع موانع مختلف را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

پایین بودن اکثر ضرایب همبستگی<sup>۲</sup> دلالت بر عدم هماهنگی سیاست‌های غیر تعرفه‌ای در بخش

۱. منابع آماری تعیین متغیرهای کیفی از مجموعه قوانین و مقررات گمرکی در سال‌های مختلف گردآوری شده و با استفاده از محاسبه ضرایب همبستگی برای گروه‌های نه گانه صنعت عملکرد سیاست‌های تجاری برآورد شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به همان.

۲. ضریب همبستگی (correlation coefficient) معیاری است که برای مشخص کردن شدت همراهی مثبت یا منفی دو متغیر مورد استفاده قرار می‌گیرد بدیهی است که این مفهوم ارتباط نزدیکی با رگرسیون که رابطه بین دو متغیر را مشخص می‌کند دارد. در حال ضریب همبستگی برعکس رگرسیون که تحلیل کاملی ارائه می‌دهد فقط بک شاخص عددی است که برای ارائه تحلیل فوری و سطحی به کار می‌رود و در آن رابطه علت و معلولی معلوم نیست.

صنعت دارد. در مواردی هم که ضرایب بالا باشد اکثر علامت ضرایب منفی است که حکایت از عدم هماهنگی سیاست‌های غیر تعرفه‌ای در بخش صنعت دارد. جدول ۴ از لحاظ انتظار، همسویی سیاست‌های صادراتی دولت در تطبیق با جدول ۳ حکایت از عدم همخوانی و همسویی موانع غیر تعرفه‌ای در بخش صادرات برای کل صنعت دارد و در جدول ۳ - ب مطابقت ندارد. پایین بودن اکثر ضرایب همبستگی نیز دلیل بر عدم هماهنگی سیاست‌های غیر تعرفه‌ای در بخش صنعت است. در اکثر اوقات در شرایطی که ضرایب همبستگی بالا است، موانع از لحاظ تعریفی با یکدیگر متناقض بوده‌اند. (به‌طور مثال موانع یک با دو، سه، چهار، یازده و دوازده از لحاظ تعریفی در خلاف جهت قرار دارند).

#### ۴. برآورد تابع صادرات تبیین الگو

همان‌طور که پیشینه مطالعات مشخص می‌کند و مباحث تئوریک نیز مؤکد آن است، عوامل مؤثر بر صادرات متعدّدند و امکان دستیابی یا کمی کردن بسیاری از متغیرهای آن میسر نیست. از این رو، در این قسمت سعی شده مهم‌ترین عوامل مؤثر بر صادرات غیر نفتی مورد توجه قرار گیرد. برای برآورد تابع صادرات صنعتی، الگوی اصلی، معادله عرضه صادرات است که توسط محسن‌خان<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل، صادرات را تابعی از نسبت قیمت کالای صادراتی به شاخص قیمت کالاهای تولید شده در داخل و تولید ناخالص داخلی در نظر می‌گیرد. در این تحقیق با توجه به ساختار صادرات ایران متغیرهایی در مدل وارد شده است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در دوره مورد بررسی در این تحقیق ۱۳۷۳-۱۳۵۳ بوده است.

#### نرخ ارز

همان‌طور که در فصول قبل دیدیم، نرخ ارز رسمی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ دستخوش تغییرات بسیاری شده است. سیاست تقلیل ارزش پول از مجموعه سیاست‌های تعدیل اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر صادرات است. یکی از راه‌های بررسی آثار کوتاه‌مدت این سیاست بر صادرات و واردات منحنی ژاست. این منحنی گویای آن است که به دنبال تغییرات نرخ مبادله و تکمیل و انجام برخی معاملات چه در سمت خرید و چه در سمت فروش، تأثیرات منفی کوتاه مدت تقلیل پول را

۱. رجوع کنید به همان.



پوشش می‌دهند. در نتیجه، محتمل است در ابتدا تأثیر کاهش ارزش پول منفی باشد. به بیان دیگر، صادرات و واردات افزایش یابد. زیرا صادرات بر مبنای پول ملی محاسبه می‌شود و درآمد ارزی کمتری را نتیجه می‌دهد، اما واردات با پول خارجی صورت می‌گیرد و هزینه قراردادهای گذشته برای واردات افزایش می‌یابد. اما به دنبال یک وقفه کاهش در میزان رشد واردات و رشد صادرات و کاهش بین شاخص قیمت واردات و صادرات ایجاد می‌شود و قراردادهای جدید منعقد می‌شود و صادرات و واردات به کاهش ارزش پول واکنش نشان می‌دهد که البته هرگونه بهبود در تراز پرداخت‌ها به پایداری بازار مبادله خارجی و برقراری شرط مارشال - لرنر بستگی دارد. وضعیت مزبور چنانچه گفته شد، به منحنی *Z* مشهور است، چون در صورت وقوع وضعیت یاد شده منحنی مازاد تجاری به صورت *Z* رسم خواهد شد که این مدل بیشتر بر یافته‌ها و مشاهدات کاربردی استوار است تا مطالعات نظری.<sup>۱</sup> در این تحقیق برآنیم تا تأثیر سیاست‌های ارزی را با توجه به تفاوت ایجاد شده بین نرخ ارز رسمی (*ERF*) و نرخ ارز بازار آزاد (*ERMB*) و همچنین نرخ ارز صادراتی (*ERS*) که به منظور تشویق صادرات در نرخ بالاتر از نرخ رسمی قرارداد و همچنین از تفاوت نرخ ارز بازار آزاد با نرخ ارز رسمی که از عوامل تعیین‌کننده در صادرات است استفاده کنیم که آن را حاشیه نرخ ارز (*HE*) نامگذاری کرده‌ایم.

## واردات

با توجه به ساختار صنعتی کشور که قسمت عمده‌ای از نیازهای خود را از طریق واردات (از خارج) برآورده می‌کند، بسیاری از اقلام صادرات ایران به مقدار زیاد به واردات (واسطه - سرمایه‌ای) وابسته است. از این‌رو، در این تحقیق واردات به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده صادرات آورده شده است.

---

۱. پدیده کاربردی یاد شده در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان به هنگام کاهش ارزش استرلینگ در نوامبر ۱۹۶۷ و در آمریکا در ۱۹۷۱ مشاهده شده است. مطالعات گرس‌من در ۱۹۷۳ و رازین در ۱۹۷۱ به بررسی پدیده مربوط پرداخته‌اند.

1. Golds Brough, David and Zaidi Iqbal, "Transmission of Economic Influences from Industrial to Developing Countries", *Staff Studies for the World Economic Outlook*, IMF, July 1986; Vakil Firouz and Hossein Razawi, *The Political Environment of Economic Planning in Iran, 1971-83 from Monarchy to Islamic Republic*, Boulder Westview Press, 1989.

از متغیرهای اساسی برای تعیین وابستگی صادرات به واردات، کشش صادرات نسبت به واردات است.

$$E = \frac{\text{درصد افزایش در صادرات}}{\text{درصد افزایش در واردات}}$$

به عبارتی، کشش عرضه صادرات عبارت است از افزایش درصدی در عرضه صادرات که از یک درصد بهبود در رابطه مبادله به دست می‌آید. این نسبت برای ایران محاسبه شده و نتایج آن که تأکیدی بر وابستگی صادرات بر واردات است.

### نرخ تعرفه مؤثر ( $T$ )

چگونگی وضع تعرفه بر رابطه مبادله و همچنین بر واردات تأثیر می‌گذارد و از آن جا که — با توجه به شرایط ساختاری تولید در ایران — صادرات نیز تحت تأثیر واردات است، تعرفه نیز بر صادرات مؤثر واقع می‌شود. از این رو، نرخ تعرفه مؤثر به عنوان یک ابزار حمایتی در تابع صادرات وارد شده است.

برای محاسبه، ابتدا مجموع سود بازرگانی و مابه‌التفاوت‌ها را محاسبه کردیم و از تقسیم آن بر کل واردات نرخ متوسط تعرفه را به دست آوردیم. این متغیر با توجه به این که ضرایب معنی‌دار ندارد از مدل‌ها حذف می‌شود. البته لازم به ذکر است که با توجه به این که نرخ تعرفه مؤثر به طور مستقیم بر واردات اثر می‌گذارد، اثر این متغیر را به صورت غیرمستقیم با متغیر واردات داریم.

### تولید ناخالص داخلی ( $GDP$ )

همان‌طور که می‌دانیم، صادرات مازاد تولید داخلی از میزان مصرف است. بنابراین، میزان صادرات از رشد تولید ناخالص داخلی تبعیت می‌کند. برای بررسی سمت عرضه صادرات، از متغیر تولید ناخالص داخلی برای ارزیابی ظرفیت تولیدی کشور و میزان ارتباط صادرات با تولید استفاده کرده‌ایم. در مدل‌های بخشی نیز تولید ناخالص داخلی هر بخش را مبنای برآورد الگوها قرار داده‌ایم.

### نسبت قیمت کالای صادراتی به کالای تولید داخل ( $\frac{P_X}{P_D}$ )

تقسیم شاخص قیمت کالای صادراتی به شاخص قیمت کالای تولید شده در داخل نسبتی را به دست می‌دهد که می‌توان به وسیله آن تأثیر کاهش ارزش ریال را محاسبه کرد. اگر سطح قیمت (یا شاخص قیمت‌ها) در داخل افزایش یابد، بدون آن که قیمت‌های خارج دچار تغییر شود، نرخ اسمی ارز

— که بنا به تعریف ارزش یک واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی است — افزایش یابد. زیرا از قدرت خرید پول ملی در اقتصاد داخلی کاسته شده است. در حالی که قدرت خرید پول کشور خارجی در اقتصاد خارجی بدون تغییر مانده است. این متغیرها را در مدل وارد کردیم که به دلیل ایجاد همخطی با نرخ ارز بازار آزاد، ناچار به انتخاب یکی از بین دو متغیر بوده‌ایم که متغیر نرخ ارز بازار آزاد نتایج قابل قبول‌تری ارائه داده است.

قبل از آن‌که به ارائه مدل یا هر گونه تفسیری در مورد روابط بین متغیرها پرداخته شود آزمون ریشه واحد مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل از این آزمون به روش دیکی فولر ( $DF$ ) و دیکی فولر تعمیم یافته ( $ADF$ ) مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵: آزمون ریشه واحد متغیرها

متغیرها	مدل با عرض از مبدأ و بدون روند	مدل با عرض از مبدأ و روند
	آزمون $DF$ یا $ADF$	آزمون $DF$ یا $ADF$
A31	$ADF(3) = -0/1$	$ADF(3) = -2/53$
A32	$ADF(3) = 1/2$	$ADF(3) = -1/9$
A33	$ADF(3) = -0/14$	$ADF(3) = -1/4$
A34	$ADF(3) = -0/7$	$ADF(3) = -2/7$
A35	$ADF(2) = -0/87$	$ADF(2) = -2/7$
A36	$ADF(4) = -0/36$	$ADF(4) = -2/6$
A37	$ADF(3) = -1/19$	$ADF(3) = -1/81$
A38	$ADF(3) = -1/19$	$ADF(3) = -2/52$
G31	$ADF(3) = 1/19$	$ADF(3) = -0/45$
G32	$ADF(3) = 1/07$	$ADF(3) = -0/6$
G33	$ADF(3) = 0/42$	$ADF(3) = -2/6$
G34	$ADF(3) = 0/19$	$ADF(3) = -1/37$
G35	$ADF(3) = 0/98$	$ADF(3) = -2/45$
G36	$ADF(3) = 1/53$	$ADF(3) = -0/31$
G37	$ADF(3) = 0/86$	$ADF(3) = -1/55$

ادامه جدول ۵

متغیرها	مدل با عرض از مبدأ و بدون روند	مدل با عرض از مبدأ و روند
	آزمون $ADF$ یا $DF$	آزمون $ADF$ یا $DF$
G38	$ADF(3) = -1/11$	$ADF(3) = 0/69$
G39	$ADF(3) = -0/9$	$ADF(3) = 1/76$
ERMB	$ADF(3) = -2/49$	$ADF(3) = -1/4$
ERF	$ADF(3) = -1/5$	$ADF(3) = -0/4$
IM	$ADF(3) = -2/57$	$ADF(3) = -2/04$
IMV	$ADF(3) = -2/16$	$ADF(3) = -2/28$
IMS	$ADF(3) = -2/26$	$ADF(3) = -1/2$
HE	$ADF(3) = -1/99$	$ADF(3) = -2/26$

توضیح: مقدار آماره بدون روند ۳/۰۱- با روند ۳/۶۵- است.

قبل از آن‌که به برآورد مدل‌ها پرداخته شود، متغیرها به شرح زیر تعریف می‌شود:

A: صادرات صنایع نه گانه

G<sub>3J</sub>: تولید ناخالص داخلی به تفکیک صنایع نه گانه

ERMB: نرخ ارز بازار آزاد

ERF: نرخ ارز بازار رسمی

HE: حاشیه نرخ ارز (تفاوت بین نرخ ارز بازار آزاد با نرخ ارز بازار رسمی)

IM: واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای

IMV: واردات واسطه‌ای

IMS: واردات سرمایه‌ای

بردارهای همجمعی حاصل از این آزمون‌ها به ترتیب برای زیربخش‌های اول تا هشتم به قرار زیر

است (در برخی موارد معنی‌داری ضرایب ضعیف بوده اما به دلیل آن‌که هدف نشان دادن تأثیر متغیرها

است، در مدل‌ها باقی مانده‌اند):

$$LA31 = 1.3408LE + 0.15421LG31 - 0.4815LHE$$

$$CHS Q (1) \quad (9.9452) \quad (18.5656) \quad (12.8597)$$

$$t \quad (0.002) \quad (0.000) \quad (0.000)$$

$$LA32 = 1.0532LE + 0.40326LG32 - 0.4650LHE + 0.67724 IMV$$

$$CHQ (1) \quad (25.5652) \quad (27.1904) \quad (24.31501) \quad (5-246)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.000) \quad (0.000) \quad (0.022)$$

$$LA33 = 3.8166LE + 0.15887LG33 - 1.56LHE$$

$$CHQ (1) \quad (18.9267) \quad (0.24259) \quad (13.9107)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.000) \quad (0.000)$$

$$LA34 = 3.8522LE + 1.7548LG34 - 1.8225LHE$$

$$CHQ (1) \quad (15.1383) \quad (10.3201) \quad (14.9027)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.001) \quad (0.000)$$

$$LA35 = 3.1216LE + 1.2998LG35 - 1.4875LHE$$

$$CHQ (1) \quad (15.1386) \quad (15.0804) \quad (14.2118)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.000) \quad (0.000)$$

$$LA36 = 2.312LE + 0.091775LG36 - 1.0941LHE$$

$$CHQ (1) \quad (27.8627) \quad (0.2589) \quad (27.9832)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.000) \quad (0.000)$$

$$LA37 = 14.5886LE + 4.2255LG37 - 1.8656LHE$$

$$CHQ (1) \quad (18.6627) \quad (24.3138) \quad (10.48201)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.001) \quad (0.000)$$

$$LA38 = 2.6259LE + 1.1145LG38 - 1.4333LHE + 0.33544 LIM$$

$$CHS Q (1) \quad (22.0522) \quad (6.8714) \quad (19.6303) \quad (0.6428)$$

$$t \quad (0.000) \quad (0.009) \quad (0.000) \quad (0.546)$$

این برادرها رابطه همجمعی را از نظر آماری نشان می‌دهند. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، در این بردار رابطه بین صادرات با نرخ بازار آزاد ارز مثبت، با حاشیه نرخ ارز منفی باتولید ناخالص داخلی بخش‌ها و نیز با واردات به تفکیک واسطه‌ای و سرمایه‌ای مثبت بوده است.

بررسی تطبیقی کشش‌های محاسبه شده نشان‌دهنده واقعت موثر بودن متغیر نرخ ارز در تغییرات صادرات (و انگیزش صادرات) و تأثیر منفی تفاوت ایجاد شده بین نرخ ارز بازار آزاد با نرخ ارز رسمی است.

در توجیه پایین بودن حساسیت گروه‌های صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات و صنایع نساجی پوشاک و چرم می‌توان چنین ابراز داشت: از آن‌جا که گروه‌های کالایی مذکور مورد استفاده مستقیم مصرف‌کنندگان داخلی است، بالا بودن تقاضای داخلی و تأمین حاشیه سود صادرکنندگان از فروش داخل به میزان قابل قیاس با سودآوری حاصل از صادرات آن‌ها موجب انتقال سهم صادرات به مصرف داخلی است. اما در مورد گروه صنایع تولید فلزات اساسی، صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشارات و صنایع چوب و محصولات چوبی تأثیر انگیزش‌های صادراتی قوی‌تر است و می‌توانند زمینه‌های صادرات هر چه بیشتر این صنایع را ایجاد کنند. با توجه به نتایج حاصل از بررسی همسویی نظام انگیزشی صادرات، نقش مثبت این سیاست‌ها طی برنامه اول و دوم مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و همان‌طور که نتایج مدل اثبات می‌کند، تنها سیاست کاهش ارزش پول ملی بوده که توانسته تحرکی به بخش صادرات بدهد. این سیاست نیز در صورتی که کنترل بازار موازی ارز در کنار بخش رسمی ایجاد نشود با موفقیت مواجه نخواهد بود.

به‌طور کلی، واکنش‌های متفاوت گروه‌های صنعت به عامل انگیزشی ارز بازار آزاد، می‌تواند در شفافیت بخشیدن به منابع اطلاعاتی در اتخاذ سیاست‌های بازرگانی خارجی با ثبات در بخش صنعت، اصلاحات ساختاری، بهبود کارایی، قدرت رقابت کالاهای صنعتی و همچنین در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور در بلندمدت به کار گرفته شود.

## نتیجه‌گیری

۱. بررسی استراتژی‌های تجاری در ایران طی برنامه‌های قبل از انقلاب و همچنین برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم بعد از انقلاب نشانگر آن است که هیچ‌گاه اندیشه، تفکر و برنامه‌ریزی‌های منطقی، استراتژی‌های کشور را تعیین نمی‌کند، بلکه تحت تأثیر جو جهانی و فراگیر و تنگناهای اقتصاد داخلی، بدون هماهنگی‌های لازم بین توان بالفعل و داده‌های موجود شکل می‌گیرد.

۲. عملکرد بخش تجارت خارجی نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی متناسب با نیازهای اقتصادی

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۹۳

کشور توسعه نیافته و همچنان متکی به محصولات و کالاهایی به‌طور سنتی بوده و طی قرون گذشته دارای بازارهای معین و نسبتاً مطمئن در صحنه جهانی بوده است.

۳. بخش صنعت به‌رغم گذشت بیش از نیم قرن از پایه‌گذاری آن، نتوانسته نفوذ قابل اعتماد و مستمری در بازارهای جهانی داشته باشد.

۴. عملکرد اقتصادی بخش تجارت خارجی گویای آن است که درآمد حاصل از صدور نفت خام و تغییرات آن، همواره نقشی مهم‌تر از برنامه‌ریزی و اهداف بخش صادرات و واردات در بخش تجارت خارجی ایفا کرده است.

۵. بررسی اهداف دو برنامه اول و دوم پس از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که هیچ‌گاه طی این دو برنامه، استراتژی تجاری شناخته شده و مکانیزم‌های اجرایی دقیق رسماً اعلام نشده است، اگر چه با مطالعه و بررسی‌ها می‌توان اساس برنامه اول را به استراتژی "تشویق صادرات همراه با محدودیت واردات" و برنامه دوم را به "استراتژی برون‌گرا" نسبت داد. اما اصولاً قوانین برنامه هیچ‌گونه صراحتی در باب استراتژی بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه صنعتی، نداشته است.

۶. در بررسی هماهنگی بین سیاست‌های غیر تعرفه‌ای، همان‌طور که نتایج گویاست عدم همخوانی و همسویی موانع غیر تعرفه‌ای عملاً سبب ناکارایی سیستم تجاری است.

۷. روند صادرات صنایع نه‌گانه با شدت و ضعف‌های متفاوت به تغییرات نرخ ارز واکنش نشان داده‌اند که در نهایت تأثیر مثبت سیاست کاهش ارزش پول ملی در تمام صنایع تأیید می‌شود.

۸. تداخل و ناهماهنگی سیاست‌های پولی و ارزی سبب کاهش تأثیر مثبت سیاست کاهش ارزش پول بر رشد صادرات صنعتی است.

۹. کسش پذیر بودن صادرات نسبت به ارزش افزوده هر یک از بخش‌های صنایع نه‌گانه، نشان دهنده قدرت بالقوه صادراتی بخش‌های مذکور است. تشویق‌های صادراتی تا زمانی که تولیدکننده کالای صنعتی را منتفع نکند و کمک نکند تا در جهت رفع مشکلات تولید گامی برداشته شود، نمی‌تواند به تنهایی چاره‌ساز بخش صادرات باشد.

۱۰. نوسان‌های نرخ ارز و فاصله گرفتن نرخ ارز بازار آزاد از نرخ ارز رسمی و صادراتی سبب خروج منابع ارزی از مجراهای تولید و اتلاف منابع شده است.

۱۱. وابستگی بالای صادرات صنعتی به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای در تمامی گروه‌های صنعتی، نیاز به دقت بیشتر در اتخاذ سیاست‌های وارداتی را مشخص می‌سازد.

## پیشنهادها

۱. ضمن توجه دقیق‌تر به نکات مثبت و منفی سیاست‌های تجاری اتخاذ شده در برنامه اول و دوم پنج

ساله، باید برای برنامه‌های آتی با در نظر گرفتن الگوهای موفق کشورهای در حال توسعه، چارچوبی منطقی برای بخش تجارت خارجی ترسیم کند، به طوری که اهداف کوتاه‌مدت در راستای تحقق اهداف بلندمدت حرکت کند.

۲. در تعیین اهداف برنامه باید امکانات بالفعل و تجربیات سال‌های قبل مدنظر قرارگیرد. صرف اتخاذ تصمیم برای یک هدف متعالی، تضمینی برای موفقیت برنامه ایجاد نمی‌کند. زمانی که اهداف دور از دسترس باشد، تخصیص منابع با اختلال مواجه می‌شود و سرخوردگی‌های ناشی از عدم تحقق اهداف سبب عدم اطمینان به سیستم‌های تجاری می‌شود.

۳. تثبیت نرخ مؤثر واقعی دلار از معیارهای قابلیت رقابت و رقابت‌پذیری صادرات بالاخص صادرات صنعتی کشور، است. طی چند ساله اخیر، علی‌رغم آن که صادرکنندگان توانسته‌اند دلار حاصل از صادرات خود را بانرخ بالاتری به فروش برسانند، اما به دلیل ثبات قیمت‌های خارجی و افزایش شدید قیمت (و هزینه تولید) در داخل، قیمت نسبی کالاهای خارجی به داخلی کاهش یافته و موقعیت رقابتی ما تضعیف شده است.

۴. در فهرست کالاهای صادراتی کشور اقلامی نظیر سنگ، پوست، روده و... به چشم می‌خورد که در شرایط فعلی با قیمت‌های پایین صادر می‌شود. در صورتی که فراوری این کالاها می‌تواند قیمت آن‌ها را به چندین برابر برساند. بنابراین، توصیه می‌شود به تدریج صادرکنندگان موظف شوند هر ساله درصد بیشتری از کالاهای صادراتی خود را به شکل فراوری شده صادر کنند.

۵. کاهش تمرکز کالایی و کشوری. اختصاص سهم عمده صادرات یک کالا به یک کشور خاص به هیچ عنوان مطلوب نیست. زیرا با پیداشدن جایگزین برای آن کالاها یا رکود اقتصادی (باتحریم اقتصادی) در آن کشورها، روند توسعه صادرات کشور به شدت آسیب خواهد دید. از این رو، بازاریابی برای کالا و یافتن بازارهای جدید امری ضروری است.

۶. تجدید نظر در سیاست‌های غیر تعرفه‌ای در جهت همسویی بیشتر سیاست‌های مذکور با استراتژی جهش صادرات.

۷. تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ای. این تبدیل سبب می‌شود اولاً میزان واقعی حمایت‌ها مشخص شود، ثانیاً بسیاری از رانت‌های نهفته از بین برود.

۸. اولویت‌بندی واردات در مقابل صادرات. نظر به محدودیت‌های ارز و وابستگی صنایع کشور به کالاهای وارداتی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای، لازم است با بررسی مزیت نسبی صنایع، اولویت بندی‌های لازم صورت پذیرد.

۹. اعمال اصلاحات در قوانین و مقررات و رفع عوامل باز دارنده. در این زمینه باید این موارد



## برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۹۵

مدنظر قرار گیرد: بازنگری در برخی قوانین و مقررات؛ ثبات در قوانین و مقررات موجب می‌شود، حداقل برای یک دوره برنامه، قوانین به‌طور صددرصد تثبیت شود؛ تمرکز سیاست‌گذاری‌های بخش تجارت خارجی در یک وزارتخانه.

### مآخذ:

#### الف) فارسی

- وزارت امور اقتصادی و دارایی، تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی (WTO) و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۴.
- جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- سالواتوره، دومینیک و دیگران، گات و نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- رحیمی، عباسی و رازینی، ابراهیم، "سیاست‌های حمایتی با تأکید بر سیاست‌های بازرگانی"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۴.
- پورمقیم، سیدجواد، "تجارت بین‌الملل، نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی"، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰.
- سازمان برنامه و بودجه، مروری بر وضعیت اقتصادی - سیاسی کره جنوبی.
- امیدبخش، اسفندیار، "کره جنوبی، نظری اجمالی بر کشورها"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۹.
- شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، روش‌های تشویق صادرات در هندوستان، کره جنوبی.
- کمالی دهکردی، پروانه، "سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، غنا، نیجریه و جمهوری اسلامی ایران"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲.
- وزارت امور خارجه، بانک اطلاعات اقتصادی - صنعتی مالی، اداره کل امور بین‌الملل، ۱۳۷۶.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بولتن‌های مالی و اقتصادی بین‌الملل، شماره‌های مختلف.
- خطیب، محمدعلی، "دیدگاه‌های نوین در راهبردهای توسعه - تجارب آسیای جنوب شرقی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۷، تابستان ۱۳۷۴.
- قاسمی، صابر، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، مورد ترکیه، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، "نظری اجمالی به ساختار اقتصادی و تجارت خارجی گروه هشت کشور اسلامی"، ۱۳۷۷.
- سعیدی پور، رضوان و فاضل، ماندانا، "بررسی تطبیقی شیوه‌های صادرات در چند کشور منتخب"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۹.
- وزارت صنایع، گزارش وضعیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور ترکیه در سال‌های اخیر، اداره کل برنامه‌ریزی اداری

## ۹۶ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

مطالعات سرمایه‌گذاری، ۱۳۷۸.

انصاری، جواد، "ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه" ۱۳۷۳.

سازمان برنامه و بودجه، "خلاصه گزارش صندوق بین‌المللی پول در مورد تحولات اقتصادی، اهداف و برنامه‌های تورم‌زدایی ترکیه"، ۱۳۷۶.

سازمان برنامه و بودجه، "مناطق آزاد تجاری - صنعتی (مبانی تأسیس، تجربیات و چارچوب حقوقی آن)، مورد ترکیه"، ۱۳۷۰.

کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، ۱۳۶۸.

فیروز، توفیق، درآمدی بر برنامه‌ریزی در ایران، تهران، ۱۳۵۹.

رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، چاپ اول، ۱۳۶۷.

سازمان برنامه و بودجه، مجموعه قوانین عمرانی کشور، سال‌های مختلف.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی، سال‌های مختلف.

جلالی نائینی، سیداحمدرضا، "صادرات و رشد اقتصادی"، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، زمستان ۱۳۷۵.

توکلی و کریمی، "تأثیر رشد صادرات کالا بر تولید ناخالص داخلی"، فصلنامه پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی، بهار ۱۳۷۶.

میرزایی، حسین، "تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی عوامل مؤثر در توسعه صادرات غیر نفتی ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.

نوفرستی، محمد و عرب‌مازازه، عباس، شناخت ساختار الگوی اقتصادسنجی کلان برای ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵.

شمس لطف‌آبادی، علی، "بررسی صادرات غیر نفتی و برآورد تابع عرضه صادرات خرما"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

ضرغامی، بابک، "ارزیابی تأثیر نظام ارزشناور، بر واردات، صادرات غیرنفتی و سایر قیمت‌ها"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

سعیدی‌پور، رضوان، "بررسی سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی در ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

شهشانی، احمد، الگوی اقتصادسنجی ایران - دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

کیهانی، مریم، "اثر ثروت نفت بر متغیرهای اقتصاد"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۱.

(ب) انگلیسی

Haberler, Gotfried, *Theory of International Trade*, William Hodge and Co Ltd., 1950.

برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات ... ۹۷

Dean, J. M., S Desai and J. Riedel, "Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985", World Bank Discussion Paper No. 267, Washington D. C. , 1994.

World Development Report, Washington D. C. , 1987.

EIU, Country Profile, 1995.

Korea in the World Economy, Institute for Inte.

United Nation, Statistical Yearbook for Asia 1996.

World Bank, World Development Indicators 1998, CD. Rom.

Unido, Industrial Development Global Report 1997.

Turkey Economic and Industrial Report 1998, 9, 91.

Main Economic Indicators , Turkey , 1993, 96.

Goldstein Morris, and Mohsin S. Khan, " The Supply and Demand for Export: A Simultaneous Apporck", *Review Economic and Statistics* (Cambridge, Massachusetts) Vol. 60 (May 1978), pp. 86-278.

Bond, Marian, "An Econometric Study of Primary Commodity Exports from Developing Country Regions to the World", *IMF Staff Paper*, Vol. 34. No. 2 (June 1987).

Lukonga, I. "Nigerias Non - Oil Exports. Determinats of Supply and Demand 1970 - 90 "*IMF Working Paper*, No. 59 (May 1994).

Derdourph, A. John. P. Martin and Alasdair Smith, *Trade and Payments Adjustment Under Flexible Exchange Rat*, Macmillan Press Ltd., 1979.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی